

The Survey Study on Disclosure of Financial Data of Corporations and Economic Entities¹

Laleh Shabazi², Ahmad markaz malmiri³, Erfan Shams⁴,
Abdolreza Barzegar⁵

Received: 2021/07/23

Accepted: 2021/12/01

Research Paper

Abstract

This article is written with the aim of shedding light on the ways by which clarification and disclosure of financial data of corporations and economic entities to Iran's Securities and Exchange Organization are carried out, according to the legal obligations for Iranian corporations specified in Article 6 of the law concerning enforcement of provisions of Article 44 of the constitution of the Islamic Republic of Iran and consequent modifications as one of the criteria for rule of law. Public institutions as well as non-governmental or quasi-governmental public entities are not exempted from this law because they are deemed as the extensions of the existing governance apparatus over the society and financial supervision over them is quite effective in taking such entities accountable for their conduct and performance. Transparent and meticulous disclosure of financial data to the supervisory institutions can create equitable as well as sound competitive environment for doing business in the society. Wherever data transparency is missing or public supervision is not adequate, fraud, discrimination and economic rant become more probable which eventually lead to the loss of trust in public institutions, mismanagement and spread of corruption. In this study it has been tried to pinpoint pros and cons together with the challenges of enforcement of the afore-mentioned law through analyzing legal documents and conducting surveys. Furthermore, functionality of various laws and regulations along with their sanctions will be extensively examined. At the end of this study, practical solutions for the existing and would-be impediments and shortcomings are provided.

Kew Words: Clarification and disclosure of financial data, corporations and commercial entities, Article 6 of the law concerning enforcement of provisions of Article 44 of the constitution of the Islamic Republic of Iran.

JEL Classification: K22.

1. DOI: 10.22034/JSE.2020.11263.1471

2. Ph.D. Student, Department of Public Law, Maybod Branch, Islamic Azad University, Maybod, Iran. (lalehshabazi@gmail.com).

3. Research Assistant Professor of Majles Research Center (MRC), Tehran, Iran. (Corresponding Author). (a.markaz@majles.ir).

4. Assistant Professor, Department of Public Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (E_shams@sbu.ac.ir).

5. Assistant Professor, Department of Public Law, Maybod Branch, Islamic Azad University, Maybod, Iran. (abdolreza_barzegar@yahoo.com).



سازمان بورس و اوراق بهادار، مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی

فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال چهاردهم، شماره ۵۶، زمستان ۱۴۰۰، صص ۲۶۸-۲۴۵

مطالعه‌ای پیمایشی در خصوص افشای اطلاعات مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی^۱

لاله شهبازی^۲، احمد مرکزالمیری^۳، عرفان شمس^۴، عبدالرضا برزگر^۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۰

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف مقاله حاضر، توضیح وضعیت شفاف‌سازی و چگونگی ارائه و افشای اطلاعات مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به سازمان بورس و اوراق بهادار (در راستای تکالیف قانونی موضوع ماده (۶) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۸ مجلس شورای اسلامی) و اصلاحیه‌های متعدد در سال‌های ۱۳۹۳، ۱۳۹۵، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸/۳/۲۸) است. مؤسسه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی نیز به‌عنوان یکی از ارکان حکمرانی از احکام قانونی یادشده مستثنا نیست، زیرا نظارت مالی بر این گونه مؤسسه‌ها می‌تواند از ابزارهای مؤثر در پاسخگویی آن‌ها قلمداد شد. پژوهش حاضر تلاش می‌کند با بررسی چگونگی کارآمدی قوانین و مقررات، ابزارهای قانونی و ضمانت‌های اجرایی، نکات ضعف و قوت، چالش‌ها و موانع پیش‌روی اجرای این قانون را از طریق مطالعات اسنادی و پیمایشی (نظرسنجی) مورد مطالعه قرار داده و راه‌حل‌هایی را برای برون‌رفت از موانع موجود ارائه دهد. در پژوهش حاضر از روش اسنادی و پیمایش توصیفی (نظرسنجی) استفاده شده است. برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و در زمینه نظرسنجی، نمونه ۸۰ نفری از اساتید، پژوهشگران، مدیران و کارشناسان سازمان بورس و اوراق بهادار و دیگر دستگاه‌ها و مؤسسه‌های مرتبط، با روش نمونه‌گیری هدفمند و غیراحتمالی (اشخاص مجرب و در دسترس) انتخاب و با بهره‌گیری از پیمایش توصیفی از طریق تهیه و تکمیل پرسشنامه و مصاحبه اقدام شده است.

واژه‌های کلیدی: شفاف‌سازی، افشای اطلاعات مالی، شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی، ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های

کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

طبقه بندی موضوعی: K22

DOI: 10.22034/JSE.2020.11263.1471

۲. دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران. (dalehshahbazi@gmail.com).

۳. استادیار پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول). (a.markaz@majles.ir).

۴. استادیار، گروه حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (E_shams@sbu.ac.ir).

۵. استادیار، گروه حقوق عمومی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران. (abdolreza_barzegar@yahoo.com).

مقدمه

امروزه، نظارت و پاسخگویی سازمان‌های متصدی امور عمومی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های «حکمرانی خوب»^۱، اهمیتی روزافزون یافته است. مؤسسه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی نیز به‌عنوان یکی از ارکان حکمرانی از این نظر مستثنا نیستند و نظارت مالی بر این گونه مؤسسات می‌تواند از ابزارهای مؤثر در پاسخگویی این نهادها قلمداد شود. برای اثربخش و کارآمد بودن نظارت مالی، انتشار منظم اطلاعات، شفافیت مالی، بیان جنبه‌های عملیاتی برنامه‌ها و نظارت به‌وسیله سازمان‌های مسئول از ضروریات است که این عوامل در سیستم نظارت مالی بر مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، بسیار ضعیف و ناکافی هستند (رستمی و حسین‌پور، ۱۳۸۸، ۱۹۱).

در نظارت مالی بر مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی که امروزه بر اساس دکترین «اداره خوب»^۲ به‌عنوان یک رویکرد جدید، بسیاری از مفاهیم و نهادهای حقوق عمومی معاصر را تحت تأثیر قرار داده است، نظارت مالی، محدود به اطمینان خاطر از اینکه مبالغ مندرج در بودجه هزینه شده‌اند نیست بلکه سنجش عملکرد برنامه‌ای، کارآمدی، اثربخشی، مصرف بهینه وجوه عمومی و حفظ تعادل مالی جامعه، بخش تفکیک‌ناپذیری از نظارت مالی را تشکیل می‌دهند. درخصوص نظارت مالی بر مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، موانعی همچون عدم شمول مجامع نظارتی مانند دیوان محاسبات، وزارت امور اقتصادی و دارایی بر بخشی از بودجه این مؤسسات، عدم شفافیت بودجه و امور مالی برخی از مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، عدم توجه به اقدامات و نتایج به‌دست آمده، توسعه نیافتن حسابرسی و نظارت مالی بر این مؤسسات را با چالش اساسی مواجه کرده است (رستمی و حسین‌پور، ۱۳۸۸، ۲۱۰).

چارچوب نظری و تحلیلی

شفافیت اطلاعات و ایجاد بانک‌های اطلاعاتی از مهم‌ترین ابزارهای کنترل فساد، جلوگیری از تقلب و کلاهبرداری، همچنین نظارت بر حسن عملکرد شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی است. نقض الزامات مربوط به افشای اطلاعات سبب ورود زیان‌هایی نظیر سلب امکان تصمیم‌گیری آگاهانه و معامله بر سهام به قیمت غیرواقعی به سرمایه‌گذاران می‌شود (شمس‌الهی، ۱۳۹۸).

1. Good Governance
2. Good Administration

علاوه بر این، اطلاعات مالی اشخاص حقوقی و حقیقی از ابزارهای کلیدی حاکمیت در مدیریت اقتصاد، جمع‌آوری مالیات و پیشگیری از ریسک‌های نظام‌مند است. حکومت به کمک اطلاعات می‌تواند بر جریان مالی نظارت کند و مانعی برای پیدایش بدهکاران بزرگ در اقتصاد باشد و فضای پولشویی، گردش مالی، مبادلات و قاچاق، کنترل و نظارت داشته باشد و از طریق شفاف‌سازی اطلاعات ضمن ایجاد فضای رقابتی سالم در بخش خصوصی و مؤسسات عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی، زمینه‌های شکل‌گیری نظام مالیاتی عادلانه و کارآمد را فراهم سازد (نصیری‌اقدم و قودجانی، ۱۳۹۲).

شفافیت و افشاگری صحیح، همواره دو رکن مهم در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی فعالان حوزه‌های اقتصادی و بازار محسوب می‌شود. نشر اطلاعات با شفافیت کمتر یا عدم انتشار اطلاعات شفاف، موجب سردرگمی و انحراف در تصمیم‌گیری و انتخاب نامناسب می‌شود. با ارائه دقیق و به‌موقع اطلاعات است که اعتماد افراد به سرمایه‌گذاری جلب شده و در مقیاس کلان از فساد جلوگیری می‌شود. شفافیت در گسترده‌ترین مفهوم، به معنای ارائه اطلاعات است. منظور همان انتشار اطلاعات مالی و غیرمالی و اثرگذار یک شرکت در گزارش‌های مالی و غیرمالی است (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵).

اجرای رسالت بهبود جریان اطلاعات اقتصادی کشور در خصوص بنگاه‌ها و شرکت‌ها بر عهده سازمان بورس و اوراق بهادار است. موضوع انتشار اطلاعات اقتصادی همه نهادهای زیرمجموعه حاکمیت و ارائه اطلاعات کامل مالی نهادها و بنگاه‌های عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی شامل مشخصات کامل شرکت یا مؤسسه، صورت‌های مالی سالانه و صورت‌های مالی تلفیقی سالانه به همراه گزارش حسابرسی و بازرسی قانونی (مطابق استانداردها و ضوابط گزارشگری مالی، گزارش فعالیت مدیران به سهامداران یا مالکین، جزئیات ترکیب مالکیتی، آخرین اساسنامه یا شرکت‌نامه ثبت شده و سایر مواردی که حسب مورد توسط هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار تعیین می‌شود) به سازمان بورس و اوراق بهادار در راستای تکالیف قانونی موضوع ماده (۶) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۸ و اصلاحیه آن، مورخ ۱۳۹۳/۴/۱، ۱۳۹۵/۶/۷، ۱۳۹۷/۳/۲۲ و ۱۳۹۸/۳/۲۸، نشانگر عزم جدی حاکمیت برای شفافیت اقتصادی است. هدف قانونگذار از مصوبات یادشده، اجرایی کردن و بسترسازی برای دسترسی به اطلاعات شفاف و ایجاد فضای رقابتی مناسب و از سوی

دیگر، امکان نظارت بر فعالیت این قبیل مؤسسات و نهادها و بررسی نقاط ضعف و قوت آنها بوده است.

مسئله شفافیت شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و نهادهای عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی همواره یکی از دغدغه‌های اقتصادی کشور بوده است. سوی شرکت‌های پذیرفته‌شده در سازمان بورس و اوراق بهادار، شرکت‌های دیگری نیز وجود دارند که اطلاعات مالی آنها به‌روشنی مشخص نیست، به‌عنوان نمونه رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس در یکی از مصاحبه‌های خود با بیان اینکه هم‌اینک حدود ۴۰ هزار خیریه در کشور وجود دارد که از آنها هیچ صورت مالی به‌طور شفاف منتشر نشده است، اظهار کرده است که یک شرکت خیریه دارای یک شرکت هواپیمایی با ارزش چهار میلیارد دلار است که حتی از آن، یک صفحه صورت مالی وجود ندارد (طهماسبی، ۱۳۹۵).

پیرو ابلاغیه سیاست‌های کلی اصلی ۴۴ قانون اساسی و تصویب قانون اجرای آن، با توجه به اینکه اجازه واگذاری شرکت‌های دولتی به نهادهای عمومی غیردولتی داده شد، این دغدغه مطرح شد که چگونه نهادهای نظارتی می‌توانند بر فعالیت‌های اقتصادی این نهادها نظارت داشته باشند و چه ملاحظاتی باید در زمینه فعالیت‌های اقتصادی نهادهای غیردولتی در نظر گرفته شود تا سهم بهینه بخش خصوصی در کنار بخش دولتی و بخش عمومی غیردولتی حفظ شود.

بی‌تردید یکی از چالش‌های اصلی در مورد اجرای صحیح سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، نبود بخش خصوصی کارآمد در ایران و وجود فضای ابهام‌آلود و نامطمئن به‌سبب فقدان اطلاعات دقیق و شفاف در مورد شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی از جمله نهادهای عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی است که توان و انگیزه بخش خصوصی واقعی را برای ورود به فعالیت‌های اقتصادی تضعیف کرده است. نگاهی به نابسامانی‌های صندوق‌های بازنشستگی و برخی از سوءمدیریت‌ها و سوءاستفاده‌ها در شرکت‌های وابسته به برخی نهادها، گویای آنست که هرچا شفافیت اطلاعاتی، نظارت عمومی و پاسخگویی کافی نباشد، احتمال بروز فساد و سوءمدیریت بیشتر است.

درخصوص نظارت مالی بر شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به‌ویژه مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، موانعی همچون عدم شمول مراجع نظارتی نظیر دیوان محاسبات، وزارت امور اقتصادی و دارایی بر بخشی از بودجه این مؤسسات، نبود شفافیت بودجه و امور مالی برخی از مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، عدم توجه به اقدامات و نتایج به‌دست‌آمده، توسعه

نیافتن حسابرسی و نظارت مالی بر این مؤسسات را با چالش جدی مواجه کرده است (رستمی و حسین پور، ۱۳۸۸: ۲۱۰).

به منظور شفاف سازی اطلاعات مالی شرکت ها و بنگاه های اقتصادی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و در راستای تکالیف قانونی موضوع ماده ۶ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ و اصلاحیه های بعدی آن، اشخاص حقوقی ذیل مکلفند به صورت سالانه فهرست کامل کلیه شرکت ها اعم از تعاونی، سهامی خاص، سهامی عام و مسئولیت محدود و بنگاه های اقتصادی و مؤسسات متعلق به خود را اعم از تابعه و وابسته یا با هر میزان از تملک سهام که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در مالکیت و یا مدیریت (کنترلی و یا غیرکنترلی) آنها قرار دارند به سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام کنند:

الف) مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی موضوع ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۱/۶ و قرارگاه های سازندگی؛

ب) نهادهای نظامی و انتظامی کشور و بنیادهای تعاون وابسته به آنها؛

ج) سازمان ها و مؤسسات خیریه کشور؛

د) نهادها و مؤسسات وقفی و آستان های مقدس و بقاع متبرکه در صورت عدم مغایرت با وقفنامه شرعی یا قانونی خود؛

ه) کلیه صندوق های بازنشستگی اعم از کشوری و لشکری شامل صندوق های بازنشستگی وابسته به دستگاه های اجرایی موضوع ماده (۲۹) قانون برنامه ششم توسعه و وابسته به دستگاه هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است اعم از اینکه قانون خاص خود را دارند و یا از قوانین و مقررات عام تبعیت می کنند.

و) بنیادها، نهادهای انقلاب اسلامی، مؤسسات و سایر اشخاص حقوقی که زیر نظر ولی فقیه اداره می شوند.

تشکیل این قبیل بانک های اطلاعاتی (حقوقی-اقتصادی) و تنظیم نظام جامعی در این موارد، پیچیدگی های نهادی و حقوقی خاصی دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. تبیین ابعاد این پیچیدگی ها، ابهامات، موانع و چگونگی بستر سازی برای نظارت و مدیریت آن ها و واکاوی الزامات حقوقی و اقتصادی شرکت ها و بنگاه های اقتصادی در ارائه اطلاعات مالی به سازمان بورس و اوراق بهادار، سازو کارها، ابزارهای قانونی و ضمانت های اجرایی لازم در راستای افشای

اطلاعات این مؤسسات و بهبود جریان داده‌های اقتصادی، از جمله پرسش‌ها و مباحث مورد بررسی و تحلیل در پژوهش حاضر است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

انجام وظایف خدمات عمومی در وهله اول برعهده دولت است، ولی حسب ضرورت‌هایی که به وجود می‌آید، برخی از این وظایف به بخش‌های غیردولتی واگذار می‌شود و بیشتر سازمان‌های عمومی غیردولتی عهده‌دار انجام این وظایف می‌شوند. این اقدام را می‌توان در راستای عدم تمرکز و اداره امور عمومی و تخصصی کردن انجام وظایف دولتی ارزیابی کرد (حسینی‌پور اردکانی، ۱۳۸۹، ۱۹۳-۱۹۲) که نتیجه آن می‌تواند ارائه بهتر خدمات عمومی به همه افراد جامعه باشد.

قانونگذار نیز در ماده (۵) قانون محاسبات عمومی (مصوب ۱۳۶۶/۶/۱) در تعریف این سازمان‌ها مقرر داشته است: «مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی به منظور انجام وظایف و خدماتی که جنبه عمومی دارد، تشکیل شده یا می‌شوند». همچنین در ماده (۳) قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۱۸) مقرر شده است: «مؤسسه یا نهادهای عمومی غیردولتی عهده‌دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارد».

از مهم‌ترین پیش شرط‌های بازار اوراق بهادار کارآ، انتشار هرگونه اطلاعات مربوط به ورقه بهادار است که در قیمت اوراق بهادار و تصمیم سرمایه‌گذاران مؤثر است (صفاریان، ۱۳۸۱، ۱۷). الزام به ارائه اطلاعات، همواره یکی از سرفصل‌های اصلی مقررات راجع به اوراق بهادار بوده است. با توجه به منافی که ارائه عمومی و خصوصی اطلاعات دارد، قوانینی راجع به منع مدیران از سوءاستفاده از اطلاعات شرکت‌ها، ارائه اطلاعات و ساختار بازارهای مالی وضع شده‌اند. ولی با این حال، ارائه اطلاعات می‌تواند به رقابت نیز کمک کند و می‌تواند راهکار فرعی اجرای سیاست‌های حقوق رقابت تلقی شد. در بازارهای با شفافیت بیشتر، احتمال تحقق اهداف حقوق رقابت بیشتر است. یکی از شرایط اصلی برای داشتن رقابتی مؤثر این است که اطلاعات در سطح وسیع و با کمترین هزینه فراهم شود زیرا عدم وجود اطلاعات، فعالیت عادی بازار را به مخاطره می‌اندازد (برد^۱ و همکاران، ۲۰۰۲).

1. Board

شفافیت و افشای اطلاعات مالی، یکی از مؤلفه‌های اساسی مدیریت شرکت‌هاست زیرا آنها اساس تصمیم‌گیری آگاهانه سهامداران، ذینفعان و سرمایه‌گذاران بالقوه در رابطه با تخصیص سرمایه، معاملات شرکت‌ها و نظارت بر عملکرد مالی هستند. دانشگاهیان و تنظیم‌کنندگان بازار اهمیت شفافیت را به رسمیت شناخته‌اند، در نتیجه قوانین و مقررات متعددی برای اطمینان از افشای به موقع و مطمئن اطلاعات مالی، به وجود آمده و استانداردهایی را ایجاد می‌کند که شرکت‌ها باید به آن پایبند باشند. امروزه، افشای جامع و پیشگیرانه اطلاعات، به جای انتشار جزئیات حاکمیت شرکت‌ها یا خط‌مشی‌ها مدنظر است (بنجامین فانگ^۱، ۲۰۱۴). برخی پژوهشگران روی تأثیر شفافیت تمرکز می‌کنند که منجر به اعتماد و مشارکت بیشتر می‌شود و مدیریت کارآمدتر (پاسکوئیر^۲، ۲۰۱۷) و فساد کمتر ایجاد می‌کند (کولستاد و ویگ^۳، ۲۰۰۹).

یکی از کارکردهای اصلی بخش خدمات مالی، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات است. اطلاعات در بازارهای مالی و بازارهای اوراق بهادار، نقشی مهم‌تر نیز دارد. زیرا این بازارها بیشتر از بازارهای کالاهای عینی در معرض ریسک اطلاعات غلط و گمراه‌کننده قرار دارند. ویژگی منحصر به فرد بازارهای مالی که همان اطلاعات محوری آن‌ها، معضل اطلاعات نامتقارن و متعارض و مسائل و مشکلات دلالتی در بازار است، سبب شده شفافیت در این بازارها اهمیتی بسیار زیاده‌تر در مقایسه با سایر بازارها داشته باشد. در نهایت بازارهای مالی به اطلاعات و ارائه به موقع و مؤثر آن‌ها وابسته‌اند. شفافیت در بازارهای مالی سبب می‌شود بازارهای مالی مستقل، بدون ارتباط فیزیکی و حتی دور از هم از نظر جغرافیایی به منافع ناشی از تمرکز در بازارهای مالی دست یابند (بویسورت و گا^۴، ۲۰۰۱).

افشای اطلاعات باید با رعایت اصول معینی باشد تا افشای صحیح به عموم تضمین شود (سلطانی، ۱۳۹۵: ۱۰۰). البته فواید دسترسی به اطلاعات، به توانایی تجزیه و تحلیل آن‌ها بستگی دارد. براساس سیاست‌های رقابتی شفافیت به امکان نوسان بیشتر در آمد و سود منتهی می‌شود. در این زمینه قابل ذکر است، زمانی که بازارهای سرمایه در ابتدای سال ۲۰۰۰ به اوج خود رسیدند، ورشکستگی و رسوایی برخی از شرکت‌ها به تدریج اعتماد سرمایه‌گذاران را نسبت به مسئولیت گزارش‌دهی اطلاعات

1. Benjamin Fung
2. Pasquier
3. Kolstad and Wiig
4. Boisvert and Gaa

ضعیف کرده و موضوع اعتماد عمومی به کیفیت اطلاعات گزارش شده مطرح شد. به دلیل کاهش اعتماد عمومی، نیاز به اطلاعات بیشتر و بهتر افزایش یافته و منجر به تقاضای تأکید شده در خصوص شفافیت بیشتر اطلاع‌رسانی شرکت‌ها شده است (نویخت، ۱۳۸۵).

اهداف گزارشگری مالی، از نیازها و خواسته‌های اطلاعاتی استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی سرچشمه می‌گیرد (ثقفی و عرب‌مازار، ۱۳۸۹). مجموعه مقررات بازارهای اوراق بهادار باید با فراهم آوردن چارچوبی پویا، شیوه‌های مقرراتی و نظارتی بازارها را اعمال کنند. هسته اصلی این مقررات، الزام به شفاف‌سازی است. به‌طور کلی مقررات اوراق بهادار، ارائه کامل اطلاعات و از بین بردن کلاهبرداری و سوءاستفاده از اطلاعات را در اولویت خود قرار داده است (باقری، ۱۳۸۷، ۷۴-۷۳).

مروری بر پیشینه پژوهش

۱. ابراهیمی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان «بررسی روش‌های افزایش شفافیت اطلاعاتی بازار سرمایه ایران و انتخاب روشی بهینه با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی» به این نتیجه دست یافته‌اند که روش افزایش آگاهی از دید سرمایه‌گذاران، کارگزاران و کارشناسان به‌عنوان روشی بهینه در شفاف‌سازی بورس شناخته می‌شود و روش‌های وضع و اجرای قوانین و خصوصی‌سازی به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند.

۲. صادقی‌مقدم و نوروزی (۱۳۸۹)، تحقیقی تحت عنوان «نقد و بررسی نظام افشای اطلاعات در بورس ایران» انجام داده‌اند. نتایج حاصل، بیانگر این است که در نظام افشای اطلاعات، قانونگذاران بیشترین تأکید خود را بر انتشار اطلاعات مهم دارند و صورت‌های مالی که در واقع جمع‌بندی و مروری در اطلاعات مهم شرکت در یک دوره مالی معین است، بیانگر وضعیت مالی شرکت است که باید تحت معیارهای واحد حسابداری و حسابرسی که به‌وسیله سازمان بورس و اوراق بهادار تعیین می‌شود افشا شوند.

۳. سینایی و داودی (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان «بررسی روابط شفاف‌سازی اطلاعات مالی و رفتار سرمایه‌گذاران در بررسی اوراق بهادار تهران» به این نتایج دست یافته‌اند که ابعاد سه‌گانه شفافیت، یعنی افشای اطلاعات مالی و شفافیت

ساختار مالکیت و شفافیت ساختار هیأت مدیره، بر رفتار سرمایه گذاران در بورس تأثیر گذار است، البته بیش از هر چیز، سرمایه گذاران به افشای اطلاعات مالی اهمیت می دهند.

۴. باقری و سیدی (۱۳۸۷)، پژوهشی با عنوان «همگرایی و رقابت در بازارهای بورس: تعارض حقوق رقابت و حقوق بازار بورس» انجام داده اند. نتایج به دست آمده نشان می دهد که از دیدگاه هنجاری الزام به ارائه اطلاعات، همواره به عنوان یکی از بخش های مهم مقررات اوراق بهادار بوده است که به همان اندازه نیز می تواند به افزایش رقابت در بازار کمک کند. مسئله اساسی در اینجا، ناسازگاری اهداف حقوق رقابت از یک طرف و اهداف مقررات بازارهای بورس در زمینه حمایت از برخی بخش ها و ایجاد ثبات است که هدف یکی، داشتن رقابت بیشتر و دیگری داشتن بازاری با ثبات با نقدینگی بیشتر است که انتخاب هر کدام از این ها دشوار است و پیدا کردن راه حلی که هر دو هدف را تأمین کند دشوارتر است. از نظر نویسندگان، بهترین راه حل قابل تصور برای این اهداف قانونی متعارض، ترکیب هنجارهای مختلف در یک بسته چندگانه، نظارت و نظم خاص بازار و اجازه وجود هم زمان این اهداف است که سرانجام باید در یک چارچوب حل شود و امکان همکاری و تهاثر را بین اهداف مختلف و شکل گیری راه حل مطلوب از طریق چرخش به سمت سیستم قانونی یکپارچه و پویا که بیشتر مبتنی بر ارائه اطلاعات تا ایجاد قوانین ماهوی باشد، صورت گیرد.

۵. خالقی و میرزایی منفرد (۱۳۹۷)، در مقاله ای با عنوان «تحلیل حقوقی شفافیت اطلاعاتی نهادهای عمومی» با تمرکز بر جنبه ضمانت اجرای شفافیت اطلاعاتی در نهادهای عمومی، نشان می دهند که تشتت در قانون گذاری، مانع از الزام نهادهای عمومی به افشای اطلاعات و اجرای آن توسط این نهادها شده است. همچنین شتابزدگی در اصلاح و تصویب قوانین، از جامعیت و مانعیت لازم این قوانین کاسته و در عمل مانع از نظارت لازم سازمان بورس بر این نهادها شده است. به عنوان مثال، بلا تکلیفی در وضعیت مسئولیت حقوقی شرکت های زیر مجموعه این نهادها و نامشخص بودن مسئولیت مدنی انضباطی و کیفری که مانع از بازدارندگی کافی قوانین می شود. همچنین پیشنهادهایی برای اصلاح و رفع ابهام قوانین و مقررات و شناسایی دقیق تر مسئولیت حقوقی در مقاله یاد شده ارائه شده است.

آسیب‌شناسی شفاف‌سازی اقتصادی و مالی در نظام حقوقی ایران

یکی از ابزارهای مؤثر در کارایی هر بازار، شفافیت اطلاعاتی است. شفافیت اطلاعاتی در حوزه بخش خصوصی، در چارچوب الزامات مقرراتی بازار سرمایه حاصل می‌شود، لیکن از آنجا که ابزار قانونی برای کنترل بر شفافیت اطلاعاتی شرکت‌های تحت مالکیت حوزه بخش عمومی وجود نداشت، قانونگذار در برهه‌های زمانی مختلف، در راستای الزام مدیران شرکت‌های مشمول و یا مدیران اشخاص حقوقی مالک، با پیش‌بینی برخی ضمانت اجراها تلاش کرد این خلاء را جبران کند و در این راستا، کنترل بر شفافیت، مسیر و شیوه افشاء، پیگیری کیفری و برخورد انضباطی با مدیران متخلف را نیز بر عهده سازمان بورس و اوراق بهادار واگذار کرد (خالقی و میرزایی منفرد، ۱۳۹۷).

مسئله شفافیت بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی، همواره یکی از دغدغه‌های اقتصادی کشور بوده است. پیرو ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و تصویب قانون مربوطه در سال ۱۳۸۷ با توجه به اینکه اجازه واگذاری شرکت‌های دولتی به نهادهای عمومی غیردولتی داده شد، این دغدغه به وجود آمد که چگونه نهادهای نظارتی می‌توانند بر فعالیت‌های اقتصادی در این نهادها رصد داشته باشند (اقبال‌نیا، ۱۳۹۵). با توجه به وجود ابهامات مالی در حوزه شرکت‌های متعلق به بخش عمومی و عدم انتشار اطلاعات مالی آن شرکت‌ها به عموم - که خود زمینه مفاسد کلان مالی را فراهم می‌کند - قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، تلاش کرد تا نسبت به ترویج شفافیت با توسل به برخی ابزارهای قانونی اقدام کند (خالقی و میرزایی منفرد، ۱۳۹۷). ارائه اطلاعات کامل مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی مشمول بند (۵) ماده (۶) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، مصوب ۲۸ خرداد ۱۳۹۸، به سازمان بورس و اوراق بهادار الزامی شد و سازمان بورس و اوراق بهادار نسبت به انتشار مجدد آن اقدام کرد (بیگزاده‌میلانی، ۱۳۹۸).

یکی از مشکلات، نبود تقسیم‌بندی مناسب در زمینه فعالیت نهادهای عمومی غیردولتی و مشخص نبودن جایگاه نهاد نظارتی برای فعالیت این نهادهاست. البته در قانون مدیریت خدمات کشوری، تعریفی در این زمینه ارائه شد. نگاه مصداقی که تا قبل از این وجود داشته تفکیک و تقسیم‌بندی، نهادهای غیردولتی عمومی را با مشکل مواجه کرده است. برای مثال، برخی نهادهای عمومی غیردولتی که فعالیت کاملاً فرهنگی دارند اما با توجه به تعریف فعالیت اقتصادی نهادهای عمومی غیردولتی، می‌توانند فعالیت اقتصادی داشته باشند. مسئله این بود که فعالیت این نوع

گروه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی قابل انطباق با نظام اقتصادی کشور نبود. از طرف دیگر، این پرسش‌ها در مورد فعالیت اقتصادی نهادهای عمومی غیردولتی با توجه به اینکه قانون، ۴۰٪ بازار را در اختیار قرار داده، مطرح شد که این نهادها در چه زمینه‌هایی می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند؟ چارچوب و ملاحظات فعالیت‌های اقتصادی این گونه نهادها چیست؟ چه نهادی مسئول نظارت بر فعالیت اقتصادی نهادهای عمومی غیردولتی است؟ به‌منظور نظم بخشیدن، شفاف‌سازی و سامان دادن به فعالیت نهادهای عمومی غیردولتی و تقسیم‌بندی مناسب این گروه‌ها در نظام اقتصادی به تدریج گام‌هایی از سوی دولت و مجلس برداشته شد.

در مرحله اول، کمیسیون اصل ۴۴ مجلس در سال ۱۳۹۳ اولین اصلاحیه را در ماده (۶) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی^۱ انجام داد و نهادهای عمومی غیردولتی را ملزم کرد اطلاعات و گزارش فعالیت‌های مالکیت مستقیم و غیرمستقیم‌شان را به شورای رقابت بدهند و باید مکلف به رعایت سقف ۴۰٪ در بنگاه‌داری باشند. ولی این امر به‌تنهایی نمی‌توانست زمینه شفافیت فعالیت اقتصادی این گونه نهادها را فراهم کند. به همین دلیل، در سال ۱۳۹۵ دولت و مجلس در جهت تسریع این امر، قانون را برای تمامی گروه‌ها و نهادهای دولتی و عمومی غیردولتی که اطلاعات‌شان را افشا نمی‌کردند (مانند نهادهای نظامی، انتظامی، سازمان‌ها و مؤسسات خیریه، نهادهای وقفی، بقاع متبرکه، صندوق‌های بازنشستگی اعم از لشگری و کشوری و نهادهای انقلاب اسلامی)، لازم‌الاجرا کرد (عالی‌پور، ۱۳۹۵).

بر اساس ضمانت اجرای دیگر قانون مورد بحث، بانک مرکزی و بانک‌های کشور، باید حساب‌های بانکی شرکت‌هایی را که گزارش‌های مالی‌شان را منتشر نکرده‌اند، مسدود کنند. مسدود کردن حساب‌های بانکی به حکم قضایی احتیاج دارد و از آن مهم‌تر باید ترتیب عدم اجرا و عدم اقدام مشخص شود و برای نمونه اگر نهادهای شبه‌دولتی اطلاعات خود را ندهند در کدام دسته‌بندی این سه نوع ضمانت اجرایی قرار می‌گیرد که در مقابل، قوه قضاییه بتواند حکمی صادر کند.

تاکنون بیش از ۵۰۰ شرکت، اطلاعات و صورت‌های مالی خود را روی سامانه جامع اطلاع‌رسانی ناشران (کدال) قرار داده‌اند. ارائه فهرست کامل همه اشخاص مشمول به‌صورت سالانه، از تکالیف اطلاع‌رسانی مقرر در قانون اخیر است.

۱. منظور از ماده ۶ در این مقاله، ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و اصلاحیه‌های آن است.

نکته پایانی در این قسمت اینکه قانونگذار طبق رویه‌ای قابل انتقاد و غیراصولی، اصلاحات متعددی را به ماده (۶) وارد کرده است. چنانکه گفته شد، ماده (۶) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، پس از تصویب اولیه در سال ۱۳۸۶، در چهار نوبت طی فواصل کوتاه مدت و به طور مفصل اصلاح شد. به نظر می‌رسد مهمترین دلیل این اصلاحات پی‌درپی، تلاش برای اجرای احکام پیشین مصوب بوده است. در اینجا، قانونگذار تنها راه مؤثر برای اجبار بنگاه‌ها و شرکت‌ها در خصوص ارائه اطلاعات مالی‌شان به سازمان بورس و اوراق بهادار و به طور کلی، شفافیت مالی آنها را تصویب مفاد قانونی جدید دانسته است. در مجموع باید گفت استفاده بیش از حد از قوانین، باعث کاهش کیفیت قوانین شده است و قوانین را دچار ناکارآمدی کرده است. «آسیب‌های ناشی از توسل بیش از حد به قانون و قانونگذاری و در نتیجه، افت کیفیت قوانین در ایران نیز به خوبی مشهود است. امروزه همگان از حجم انبوه قوانین و اصلاحات مکرر و الغای سریع و متروک ماندن قوانین شکایت می‌کنند و آن را مانع توسعه می‌دانند. استفاده‌های نابه‌جا از قانونگذاری بر اقتدار قانون تأثیر نامطلوبی گذاشته است» (وکیلان و مرکز مالگیری، ۱۳۹۵، ۵۲). علاوه بر این، اصلاحیه‌های مکرر ماده (۶)، به پیچیده‌تر شدن و غیرقابل فهم شدن قانون برای تابعان آن انجامیده است. به‌ویژه در نظام حقوقی ما که همچنان فرآیند تدوین و تنقیح قوانین به انجام نرسیده، آسیب پیش گفته، تأثیرات بسیاری نامطلوبی برای تحقق حاکمیت قانون در پی دارد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های حاصل از نظرسنجی

در این پژوهش، به منظور آسیب‌شناسی و شناسایی موانع اجرایی قانون علاوه بر تحلیل حقوقی - اقتصادی مواد قانونی مرتبط با موضوع، پرسشنامه‌ای طراحی شده است. جامعه آماری مورد مطالعه شامل ۸۰ نفر از استادان، پژوهشگران، مدیران و کارشناسان سازمان بورس و اوراق بهادار، کارگزاران بازار سرمایه و دیگر صاحب‌نظران در حوزه مورد پژوهش است. پرسشنامه به صورت گویه‌های نگرشی طراحی شده است که شامل ۱۷ گویه و ۴ پرسش باز است. نتایج ۴ پرسش باز این پژوهش، روشنگری‌های بسیاری را از موضوع پژوهش به دست می‌دهد که می‌تواند شناخت عمیق‌تر موضوع مورد بحث کمک کند.

از نتایج این پرسش‌ها، آسیب‌شناسی و راهکارهای بهبود قابل استنتاج است که می‌تواند خود مبنایی برای پژوهش‌های بعدی قرار گیرد. در جدول ۱، نتایج ۱۷ پرسش با طیف لیکرت پنج

درجه‌ای آورده شده است. در تحلیل این نتایج، منظور از اکثریت پاسخ گویندگان، جمع میزان درصد افراد موافق و بسیار موافق به پرسش‌ها است که نشان‌دهنده توافقی آن‌ها نسبت به موضوع طرح شده است.

نتایج نظرسنجی و تحلیل آماری آن از استادان، پژوهشگران، مدیران، کارشناسان سازمان بورس و اوراق بهادار و دیگر مؤسسات مرتبط در زمینه شفاف‌سازی و افشای اطلاعات مالی شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی نزد سازمان بورس و اوراق بهادار (در راستای تکالیف قانونی موضوع ماده ۶) از جمله نقاط ضعف و قوت، موانع و تنگناها، چگونگی اجرا، راهکارهای ارائه شده و مزیت‌های اجرای آن، در جداول ۱ تا ۵ ارائه شده است.

جدول ۱. نتایج نظرسنجی حاصل از گویه‌های ۱۷ گانه پژوهش^۱

ردیف	گویه‌ها	کاملاً مخالف	مخالفت	تأخیر و محدودی	موافق	کاملاً موافق
۱	یکی از مزیت‌های ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، ایجاد فضای رقابتی سالم و منصفانه است.	-	۵٪	۴٪	۳۲٪	۵۹٪
۲	شفاف‌سازی موجب آشکار شدن نقاط ضعف و قوت و میزان کارآمدی سیستم‌های مدیریتی شرکت‌ها می‌شود.	-	۶٪	۲۱٪	۳۵٪	۳۸٪
۳	از اهداف اطلاعات مالی بنگاه‌های اقتصادی به‌سازمان بورس و اوراق بهادار می‌تواند زمینه ایجاد یک اطلاعاتی و نظارت و عملکرد آن‌ها فراهم شود.	-	۹٪	۴۵٪	۲۹٪	۱۷٪
۴	افتشای اطلاعات مالی شرکت‌ها نزد سازمان بورس و اوراق بهادار موجب افزایش اعتماد و لگن به سرمایه‌گذاری و مشارکت بیشتر می‌شود.	-	۱۴٪	۳۱٪	۴۳٪	۱۲٪
۵	در نبود شفافیت اطلاعات مالی و نظارت عمومی احتمال بروز تقلب، رانت و فساد بیشتر می‌شود.	-	-	۱۵٪	۳۳٪	۵۲٪
۶	افشای اطلاعات مالی بنگاه‌های اقتصادی موجب افزایش سرمایه اجتماعی و تقویت حاکمیت قانون می‌شود.	-	-	۳۳٪	۲۶٪	۴۱٪
۷	در نبود شفافیت اطلاعات مالی امکان ایجاد فضای رقابتی سالم و منصفانه، کمتر می‌شود.	-	-	۱۷٪	۳۴٪	۴۹٪
۸	آیا صرف مقررات‌گذاری جهت شفاف‌سازی اقتصادی به سازمان بورس و اوراق بهادار کفایت می‌کند؟	۴۴٪	۳۲٪	۲۴٪	-	-
۹	برای افشای اطلاعات مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی، انجام اصلاحات نهادی و ساختاری تا چه حدی ضرورت دارد؟	-	۶٪	۱۹٪	۳۴٪	۴۱٪
۱۰	عدم همکاری شرکت‌ها و بنگاه‌های مشمول ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی می‌تواند به نقض اصل بنیادین حاکمیت قانون بیانجامد.	-	۱۱٪	۲۸٪	۴۰٪	۲۱٪
۱۱	سازمان بورس و اوراق بهادار از سازوکار و ابزارهای قانونی لازم برای مکلف کردن شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به ارائه افشای اطلاعات برخوردار است.	۶٪	۲۳٪	۴۵٪	۱۸٪	۸٪

۱. جداول تکمیلی که شامل فراوانی و درصد تجمعی می‌باشد، در مستندات تحقیق آورده شده است.

ردیف	گویه‌ها	کاملاً مخالف	مخالفت	تأیید	کاملاً موافق
۱۲	ضمانت‌های اجرایی موجود در مورد شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی متخلف در ارائه و افشای به‌موقع اطلاعات مالی به سازمان بورس و اوراق بهادار از قابلیت اجرای کسری برخوردار است.	-	۵٪	۳۱٪	۴۳٪
۱۳	قوانین و مقررات حاکم بر ابعاد نظارتی سازمان بورس و اوراق بهادار بر شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی مشمول به‌عنوان مقام ناظر از کارآمدی لازم برخوردار است.	۷٪	۳۶٪	۲۷٪	۲۵٪
۱۴	سازمان بورس و اوراق بهادار از امکانات اجرایی و نظارتی لازم در زمینه اجرای تکالیف قانونی و نظارت بر شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی مشمول برخوردار است.	۴٪	۳۱٪	۳۵٪	۲۴٪
۱۵	ارائه اطلاعات مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به سازمان بورس و اوراق بهادار سبب کاهش هزینه‌های معاملاتی شهر و نبدان و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری آنان می‌شود.	-	۹٪	۲۱٪	۲۹٪
۱۶	مقررات‌گذاری افشای اطلاعات باید در کل سایر ابزارهای مقررات‌گذاری با درجه ضمانت اجرای بیشتر به کار گرفته شود تا موجب ارائه اطلاعات صحیح به سازمان بورس و اوراق بهادار شود.	-	-	-	۳۳٪
۱۷	افشای درست، به‌موقع و به اندازه اطلاعات مالی موجب افزایش کارایی اقتصادی و رشد اقتصادی می‌شود.	-	-	۲۸٪	۵۰٪

بررسی نتایج گویه‌های ۱۷ گانه حاصل از نظرسنجی پژوهش

همان‌گونه که از داده‌های جدول ۱ برمی‌آید، در پاسخ به گویه ۱، اکثریت پاسخگویان با ۹۱٪، ایجاد فضای رقابتی سالم و منصفانه را یکی از مهم‌ترین دستاوردهای مورد انتظار از اجرای ماده ۶ در مورد شفاف‌سازی و افشای اطلاعات مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی نزد سازمان بورس و اوراق بهادار قلمداد می‌کنند.

در پاسخ به گویه ۲، مبنی بر تأثیر افشای اطلاعات مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی نزد سازمان بورس و اوراق بهادار در زمینه آشکار شدن نقاط قوت و ضعف و میزان کارآمدی سیستم‌های مدیریتی شرکت‌ها، ۵۵٪ آن را زیاد و خیلی زیاد، ۲۱٪ آن را متوسط و ۱۹٪ نیز آن را کم و خیلی کم اعلام کرده‌اند. در مورد گویه ۳، مبنی بر چگونگی ایجاد بانک اطلاعاتی جامع و نظارت بر عملکرد شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی مشمول ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، به عنوان یکی از نتایج مورد انتظار از اجرای قانون افشای اطلاعات مالی مورد بحث نزد سازمان بورس ۴۶٪ پاسخگویان در این زمینه نظر موافق و کاملاً موافق داشته، ۴۵٪ آن را متوسط ارزیابی کرده و فقط ۹٪ نظر مخالف ابراز داشته‌اند.

در پاسخ به گویه ۴، مبنی بر اینکه افشای اطلاعات مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی تأثیری در افزایش انگیزه افراد به سرمایه‌گذاری و مشارکت بیشتر در امور اقتصادی ندارد، اکثریت پاسخگویان با ۵۷٪

مخالفت خود را با این گویه ابراز داشته و فقط ۱۱٪ نظر موافق داشته‌اند که این مورد بیانگر دیدگاه مثبت اکثریت پاسخگویان به اجرای قانون شفاف‌سازی اطلاعات مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و تأثیر آن در افزایش اعتماد و انگیزه اشخاص به مشارکت بیشتر است.

در گویه ۵، اکثریت قریب به اتفاق پاسخگویان با ۸۵٪ به احتمال بروز تقلب، رانت، تبعیض و فساد در نبود شفافیت اطلاعات مالی و نظارت عمومی، نظر موافق داشته و ۱۵٪ نیز احتمال آن را در حد متوسط ابراز داشته‌اند.

داده‌های جدول ۱، در پاسخ به گویه ۶، بیانگر جایگاه با اهمیت شفاف‌سازی و افشای اطلاعات مالی شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی در افزایش سرمایه اجتماعی و تقویت حاکمیت قانون است که ۶۷٪ پاسخگویان آن را خیلی زیاد و زیاد ابراز داشته و ۳۳٪ نیز در حد متوسط توصیف کرده‌اند. در گویه ۷، اکثریت پاسخگویان با ۸۱٪، نظر مخالف خود را به این مورد ابراز داشته‌اند که نشانگر دیدگاه مثبت آنان به نقش مؤثر اجرای ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در فراهم ساختن شرایط رقابتی سالم و منصفانه است.

در پاسخ به گویه ۸ که صرف مقررات‌گذاری برای ارائه اطلاعات مالی شفاف، صحیح و به‌موقع از سوی شرکت‌ها و بنگاه‌ها به سازمان بورس در راستای شفاف‌سازی کفایت می‌کند، اکثریت پاسخگویان با ۷۶٪ به این گویه پاسخ منفی داده‌اند که این امر بیانگر این نکته است که صرف مقررات‌گذاری برای شفاف‌سازی کفایت نمی‌کند.

در گویه ۹ مبنی بر ضرورت اعمال اصلاحات نهادی و ساختاری برای ایجاد شفافیت اطلاعاتی و نظارت دقیق، بیشتر پاسخگویان با ۷۵٪ نظر موافق و کاملاً موافق داشته و ۱۹٪ نیز به‌طور متوسط با این گویه موافق بوده‌اند.

در پاسخ به گویه ۱۰ که عدم همکاری شرکت‌ها و بنگاه‌های مشمول در ارائه به موقع و شفاف اطلاعات مالی به سازمان بورس به استناد تکالیف قانونی، می‌تواند به نقض اصل بنیادین حاکمیت قانون بیانجامد، ۶۱٪ پاسخگویان نظر موافق و کاملاً موافق داشته و ۲۸٪ نیز در سطوح میانی با این گویه موافق هستند.

در پاسخ به گویه ۱۱ در مورد سازوکارها و ابزارهای قانونی سازمان بورس برای مکلف ساختن شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به ارائه و افشای اطلاعاتشان به سازمان، اکثریت پاسخگویان با ۴۵٪ آن را در حد متوسط ارزیابی کرده، ۲۹٪ کم و ۲۶٪ نیز آن را زیاد توصیف کرده‌اند.

براساس داده‌های مربوط به گویه ۱۲، ۶۰٪ پاسخگویان میزان قابل اجرا و مؤثر بودن ضمانت‌های اجرایی مصوب برای مکلف کردن شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به ارائه و افشای اطلاعات مالی‌شان به سازمان بورس را کم و خیلی کم، ۲۵٪ آن را متوسط و ۱۲/۵٪ نیز آن را مؤثر دانسته‌اند. در پاسخ به گویه ۱۳، در مورد میزان کارآمدی قوانین و مقررات حاکم بر ابعاد نظارتی سازمان بورس بر شرکت‌ها و بنگاه‌های مشمول ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، ۴۲٪ آن را کم، ۳۰٪ زیاد و ۲۸٪ متوسط ارزیابی کرده‌اند. در مورد گویه ۱۴، میزان برخورداری سازمان بورس از امکانات اجرایی لازم در اجرای تکالیف قانونی ناشی از اجرای ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، ۳۶٪ آن را متوسط، ۳۴٪ آن را کم و ۲۷٪ نیز آن را زیاد قلمداد کرده‌اند. در پاسخ به گویه ۱۵ مبنی بر کاهش ریسک سرمایه‌گذاری با ارائه اطلاعات مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به سازمان بورس ۷۰٪ پاسخگویان نظر موافق خود را به این مورد ابراز داشته‌اند و ۲۱٪ نیز در ارتباط با این گویه نظر میانی داشته‌اند. در گویه ۱۶ مبنی بر مقررات‌گذاری با ضمانت اجرایی بیشتر و استفاده از دیگر ابزارهای قانونی برای ارائه و افشای صحیح اطلاعات مالی شرکت و بنگاه‌های اقتصادی به سازمان بورس، پاسخگویان به اتفاق آرا (۱۰۰٪) دیدگاه موافق و کاملاً موافق خود را با این گویه ابراز داشته‌اند. در پایان، در پاسخ به گویه شماره ۱۷، قریب به ۷۲٪ پاسخ‌دهندگان نظر موافقی با رابطه و اثر شفافیت بر کارایی و رشد اقتصادی دارند.

بررسی نتایج پرسش‌های باز

در این نظرسنجی، علاوه بر ۱۷ گویه که در آن پاسخ‌دهنده، محدود به طیف لیکرت برای پاسخگویی می‌باشد، از ۴ گویه باز که در قالب جداول ۲ تا ۵ آمده، استفاده شده است. بزرگ‌ترین امتیاز گویه‌های باز، آزادی عمل پاسخ‌دهنده در پاسخگویی است. گویه‌های باز منبع بسیار ارزشمندی برای تدوین فرضیه‌های جدید در مطالعات و پژوهش‌ها بوده و از این رو گویه‌های باز، قابلیت تفسیر و نظریه‌پردازی را دارد. گویه‌های جداول ۲ و ۳، ناظر بر جنبه‌های کارکردی و عملکردی همکاری شرکت‌ها و اجرای قانون است و گویه‌های جداول ۴ و ۵، ناظر بر موانع اجرای ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و پیشنهادات صاحب‌نظران است.

جدول ۲. آسیب های ناشی از تخلف و عدم همکاری شرکت ها و بنگاه های اقتصادی مشمول ماده ۶ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و اصلاحیه های بعدی آن در ارائه و افشای اطلاعات مالی نزد سازمان بورس و اوراق بهادار

ردیف	پیامدها و آسیب های ناشی از عدم همکاری شرکت ها و بنگاه های اقتصادی در اجرای قانون شفاف سازی	درصد
۱	گسترش رانت خواری، فساد، فرار مالیاتی و تقلب در حوزه های مالی و سرمایه گذاری به دلیل عدم شفافیت مالی شرکت ها و بنگاه های اقتصادی	۱۷٪
۲	کاهش نظارت و پاسخگویی	۱۵/۲٪
۳	حذف فضای رقابتی سالم و منصفانه و آشکار نشدن میزان کارآمدی سیستم های رقابتی	۱۵٪
۴	کاهش امنیت فضای کسب و کار، افزایش ریسک سرمایه گذاری و کاهش سرمایه گذاری	۱۲٪
۵	از بین رفتن فرصت های برابر برای سرمایه گذاران و گسترش فضای تبعیض و انحصار	۱۱/۳٪
۶	کاهش سرمایه اجتماعی و میزان اعتماد عمومی، وفاق ملی، همبستگی اجتماعی و مشارکت اقتصادی	۱۱/۱٪
۷	نقض اصل بنیادین حاکمیت قانون و تضعیف حقوق شهروندی	۱۰٪
۸	آشکار نشدن سوءمدیریت ها و عدم امکان پیشگیری از تخلفات	۸٪

جدول ۳. نظر پاسخگویان در مورد آثار و نتایج (کارکردهای مثبت) حاصل از اجرای ماده ۶ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و اصلاحیه های بعدی آن

ردیف	آثار و نتایج (کارکردهای مثبت) حاصل از اجرای ماده ۶ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و اصلاحیه های آن	درصد
۱	شفاف سازی و افشای اطلاعات مالی شرکت ها و بنگاه های اقتصادی مشمول، موجب شکل گیری فضای رقابتی سالم و منصفانه می شود.	۱۸٪
۲	اجرای ماده ۶ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، سبب افزایش اعتماد و انگیزه اشخاص به سرمایه گذاری و مشارکت بیشتر در امور اقتصادی می شود.	۱۵٪
۳	ارائه و افشای اطلاعات مالی شرکت ها، سبب کاهش هزینه های معاملاتی و کاهش ریسک های سرمایه گذاری آن ها می شود.	۱۵/۱٪
۴	افشای اطلاعات مالی، موجب آشکار شدن نقاط ضعف و قوت و میزان کارآمدی سیستم های مدیریتی شرکت ها می شود.	۱۴/۵٪
۵	شفاف سازی اطلاعات مالی، سبب افزایش سرمایه اجتماعی و تقویت حاکمیت قانون و حکمرانی خوب می شود.	۱۳٪
۶	افشای درست، به موقع و به اندازه اطلاعات مالی موجب افزایش کارایی و رشد اقتصادی می گردد.	۱۳٪
۷	ارائه و افشای اطلاعات مالی شرکت ها و بنگاه های اقتصادی نزد سازمان بورس و اوراق بهادار می تواند زمینه ایجاد بانک اطلاعاتی جامع و نظارت بر عملکرد آن ها و برقراری سیستم مالیاتی صحیح و دقیق را فراهم سازد.	۱۱٪

جدول ۴. چالش‌های پیش‌روی اجرای ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و اصلاحیه‌های بعدی آن در زمینه افشای اطلاعات مالی نزد سازمان بورس و اوراق بهادار

ردیف	موانع و چالش‌های پیش‌روی اجرای ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در زمینه ارائه اطلاعات مالی شرکت‌ها به سازمان بورس و اوراق بهادار	درصد
۱	موانع ساختاری (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی)	۱۵/۳۷٪
۲	ضعیف بودن ضمانت‌های اجرای قانون	۱۴/۶۱٪
۳	مشکل خلأ قانونی و نبود قوانین و آیین‌نامه‌های جامع	۱۲/۸۵٪
۴	موانع مربوط به سازوکارهای اجرایی	۱۲/۵۹٪
۵	پایین بودن فرهنگ انتشار اطلاعات و شفاف‌سازی در جامعه و عدم اطلاع‌رسانی کافی و مناسب	۱۱/۳۴٪
۶	تعارض و ابهام در قوانین و مقررات جدید	۸/۵۶٪
۷	نبود اراده جدی در سازمان‌های اجرایی مسئول	۸/۵۶٪
۸	گزارشگری مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به دلیل تغییرات مکرر مدیریتی و فساد	۸/۵۶٪
۹	تورم تقنین (تعدد قوانین)	۷/۵۶٪

جدول ۵. پیشنهادها و راهکارهای ارائه شده از سوی پاسخگویان در زمینه اجرای بهتر ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و رفع موانع و اشکالات موجود در ارائه افشای اطلاعات مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به سازمان بورس و اوراق بهادار

ردیف	پیشنهادها و راهکارهای ارائه شده در زمینه اجرای بهتر ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و رفع موانع و اشکالات موجود	درصد
۱	مقرراتگذاری افشای اطلاعات همراه با دیگر ابزارهای مقرراتگذاری با درجه ضمانت اجرایی بیشتر که می‌تواند در اجرای بهتر این قانون تأثیرگذار باشد.	۱۰/۰۶٪
۲	مناسب ساختن ضمانت‌های اجرایی با جرایم و تخلفات	۱۰٪
۳	اعمال اصلاحات نهادی و ساختاری	۹/۰۵٪
۴	استفاده از نیروی انسانی متخصص و کارآمد و رفع موانع از سازوکارهای اجرایی	۸/۰۹٪
۵	ایجاد سیستم انگیزشی مناسب برای اجرای قانون... و ارائه بسترهای تشویقی برای شرکت‌ها و بنگاه‌های ارائه دهنده اطلاعات صحیح و به‌موقع	۸/۰۴٪
۶	فرهنگ‌سازی در زمینه شفاف‌سازی اطلاعات مالی، آموزش و ارتقای آگاهی مدیران شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و سهامداران	۷/۰۹٪
۷	بازنگری و شفاف‌سازی و رفع تعارض در قوانین	۷/۰۵٪
۸	ایجاد مکانیزم مناسب جهت هماهنگی بیشتر تمامی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی با سیستم مالیاتی کشور	۷/۰۲٪
۹	استفاده از تکنولوژی روز و لزوم بهره‌گیری از ابزارهای کنترلی مناسب	۷٪
۱۰	وضع قوانین و مقررات مانع و بازدارنده‌تر	۶/۰۵٪
۱۱	همکاری نزدیک بین وزارت اقتصاد و قوه قضائیه و دیگر سازمان‌های مرتبط	۵/۰۹٪
۱۲	پیگیری قضایی متخلفان و ایجاد شعبه قضایی ویژه برای رسیدگی به تخلفات این حوزه	۵/۰۴٪
۱۳	تشکیل کارگروه نظارت بر اجرای قانون از سوی سازمان بورس و اوراق بهادار	۵/۰۳٪

با توجه به داده‌های جداول ۲ تا ۵ (پرسش‌های ۴ گانه باز)، می‌توان به تفسیر و تحلیل آنها به

شرح زیر اشاره کرد:

الف) آسیب‌های ناشی از عدم تمکین شرکت‌ها از قانون

آسیب‌های اجتماعی

۱۱/۱٪ پاسخ‌دهندگان بر این باورند که این عدم تمکین و مشارکت بنگاه‌ها و شرکت‌ها از قانون باعث کاهش سرمایه اجتماعی و تنزل میزان اعتماد عمومی، همبستگی اجتماعی و مشارکت می‌شود. باید توجه داشت که این نتیجه، اثرات چندجانبه‌ای را در اقتصاد ایجاد می‌کند که بررسی آن فراتر از موضوع این مقاله است. افزایش مشارکت اقتصادی-اجتماعی یکی از الزامات توسعه است.

آسیب‌های اقتصادی

در نظر متخصصین مصاحبه شده در این نظرسنجی، عدم شفافیت مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به اقسام فساد اقتصادی و تضعیف محیط رقابتی، منجر می‌شود.

- گسترش رانت‌خواری، فساد، فرار مالیاتی و تقلب در حوزه‌های مالی و سرمایه‌گذاری به دلیل عدم شفافیت مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی (۱۷٪)؛
- حذف فضای رقابتی سالم و منصفانه و آشکار نشدن میزان کارآمدی سیستم‌های رقابتی (۱۵٪)؛

- کاهش امنیت فضای کسب‌وکار، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و کاهش سرمایه‌گذاری (۱۲٪)؛
- از بین رفتن فرصت‌های برابر برای سرمایه‌گذاران و گسترش فضای تبعیض و انحصار (۱۱/۳٪).

۱۷٪ بر این باورند که عدم اجرای مقررات شفافیت و افشا از سوی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به گسترش رانت‌خواری، فساد، فرار مالیاتی و تقلب در حوزه‌های مالی و سرمایه‌گذاری می‌انجامد. این نتایج، مبانی نظری بحث را مبنی بر اینکه شفافیت فعالیت‌های اقتصادی در سلامت و امنیت اقتصادی مؤثر است، تأیید می‌کند. در عین حال این رفتار مخمل رقابت منصفانه است که برای کارایی و رشد اقتصادی ضروری است. شفافیت و گردش آزاد اطلاعات مانع از معاملات و فعالیت‌های اقتصادی متکی بر اطلاعات نهانی می‌شود و همین امر باعث می‌شود که فعالیت اقتصادی در بازار و محیطی رقابتی روی دهد. عدم همکاری شرکت‌ها برای شفاف‌سازی این امکان را تضعیف می‌کند (۱۵٪). افزایش ریسک‌های ناشی

از عدم شفافیت به کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری (۱۲٪) و از بین رفتن فرصت‌های آن می‌شود (۱۱/۳٪).

آسیب‌های حقوقی

آثار سوء حقوقی عدم همکاری در اجرای قانون در این نظرسنجی به شرح زیر است:

- کاهش نظارت و پاسخگویی (۱۵/۲٪)
- نقض اصل بنیادین حاکمیت قانون و تضعیف حقوق شهروندی (۱۰٪)

ب) موانع اجرای ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

بر اساس نظرسنجی انجام شده موانع اجرای قانون را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

- ۴۵/۰۹٪ پاسخ‌دهندگان، موانع ساختاری و اجرایی قانون که مرتبط با نظام سیاسی و نهادهای اجرایی است را مؤثر دانسته‌اند.
- ۴۳/۵۸٪ پاسخ‌دهندگان، موانع حقوقی که شامل ضعف ضمانت‌های اجرایی، تورم تقنینی، تعارض و ابهامات در قوانین و مشکلات ناشی از خلاء قوانین است را مؤثر دانسته‌اند.
- موانع فرهنگی نیز ۱۱/۳۴٪ نظرها را شامل شده و نشان می‌دهد بازار سرمایه چه در نزد عموم و چه در نزد ناشران، نیاز به آموزش و فرهنگ‌سازی بیشتر دارد.

ج) آثار و نتایج اقتصادی اجرای ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

افزایش کارایی اقتصادی، شفافیت اطلاعاتی و رقابت منصفانه، کاهش هزینه‌های مبادله و جذب سرمایه، نظر ۶۱/۸٪ پاسخ‌دهندگان، نسبت به نتایج اقتصادی اجرای ماده (۶) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است.

آثار و نتایج مدیریتی

اجرای ماده (۶) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به ایجاد بانک‌های اطلاعاتی و نظام‌های نظارتی در شرکت‌ها و ارزیابی عملکرد می‌انجامد و همین امر باعث توسعه مدیریت علمی در بنگاه‌ها و شناسایی نقاط قوت و ضعف آن‌ها می‌شود. به عنوان مثال، سازمان‌ها نیاز به تدوین برنامه‌های راهبردی برای تبیین برنامه‌ای آتی خود پیدا می‌کنند

و همین امر باعث توسعه اقتصادی بنگاه‌ها می‌شود. ۲۵/۱٪ پاسخگویان این موضوع را در نظر داشته و آن را یکی از آثار مثبت اجرای ماده (۶) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی دانسته‌اند.

آثار و نتایج اجتماعی

یکی از آثار مثبت اجتماعی در اجرای ماده (۶)، شفافیت اقتصادی است که به افزایش اعتماد عمومی می‌انجامد. افزایش اعتماد عمومی از نظام حقوقی به تقویت سرمایه اجتماعی می‌انجامد و همین امر رشد نرخ مشارکت اقتصادی را به همراه می‌آورد. توجه به این امر، اگرچه از نظر پاسخ‌دهندگان نسبت به سایر موارد ضعیف ولی قابل توجه است. ۱۳٪ پاسخ‌دهندگان آنرا مؤثر دانسته‌اند.

د) راهکارهای بهبود اجرای ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی راهکارهای حقوقی

مقررات‌گذاری افشای اطلاعات همراه با دیگر ابزارهای مقررات‌گذاری که درجه ضمانت اجرایی بیشتر را دارا باشد و موجب اجرای بهتر قوانین شود، بازنگری و شفافیت در قوانین و تشکیل کارگروه تخصصی نظارت بر اجرای قانون، ارزیابی و بهبود قوانین موجود در سازمان بورس و اوراق بهادار در نظر ۵۳/۷٪ پاسخ‌دهندگان به عنوان راهکارهای حقوقی بهبود اجرای قانون طرح شده است.

راهکارهای ساختاری و مدیریتی

۳۸/۴٪ پاسخ‌دهندگان، اصلاحات نهادی، ساختاری و ایجاد سازوکارهای مالیاتی و همکاری وزارت اقتصاد و قوه قضاییه را برای رفع موانع و اشکالات موجود در اجرای ماده (۶) مؤثر می‌دانند.

راهکارهای فرهنگی

۷/۹٪ پاسخ‌دهندگان، بهبود اجرای ماده (۶) را در فرهنگ‌سازی، آموزش، تقویت نگرش و آگاهی مدیران از مزایای اجرای قانون و فعالیت شفاف و رقابت منصفانه در محیط کسب‌وکار دانسته‌اند.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش (مطالعات اسنادی و نظرسنجی) نشان می‌دهد:

- مسئله شفافیت و افشای اطلاعات مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی همواره یکی از دغدغه‌های اقتصادی کشور بوده است.

- اجرای صحیح و دقیق شفاف‌سازی و افشای اطلاعات مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی نزد سازمان بورس (تکالیف قانونی ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و اصلاحیه‌های سال‌های ۱۳۹۳، ۱۳۹۵، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸) می‌تواند سبب شکل‌گیری فضای رقابتی سالم و منصفانه شده و از گسترش رانت، فساد، تقلب، انحصار و غیره جلوگیری کرده و موجب افزایش نظارت و پاسخگویی و سرمایه اجتماعی شود.

- ماده (۶) در طول سال‌های گذشته، مورد اصلاحات متعددی قرار گرفته است. اصلاحات کوتاه‌مدت ماده یادشده، نشانگر آن است که قانونگذار تصویر روشنی از موضوع، حین قانونگذاری نداشته است و ارزیابی لازم از تأثیرات مفاد تصویب‌شده و همچنین قابلیت اجرای آن صورت نگرفته است.

- قانونگذار طبق رویه‌ای قابل انتقاد و غیراصولی، اصلاحات متعددی را به ماده (۶) وارد کرده است. متعاقب آن، در سه نوبت دیگر، به اصلاح مفاد ماده (۶) و الحاق مفادی به آن اقدام کرده است که به پیچیده‌تر شدن و غیرقابل فهم شدن (یا عدم دسترسی) تابعان قانون انجامیده و آسیب تورم تقنینی (تورم قانون) را عمیق‌تر کرده است.

- قانون بازار اوراق بهادار و مقررات آن حداقل الزامات تکلیفی ضروری بازار سرمایه است ولی کفایت آن، نیازمند بازنگری در مبانی به‌منظور بهبود و توسعه و بسط مقررات موردنیاز برای افزایش کارایی بازار است.

- صرف مقررات‌گذاری برای ارائه اطلاعات مالی صحیح و به‌موقع کافی نیست، بلکه اعمال اصلاحات نهادی و ساختاری، فرهنگ‌سازی و ایجاد سیستم انگیزشی مناسب و رویکرد قانونگذار در تصویب قانون برای اجرای قانون، ضروری است.

منابع

- ابراهیمی نژاد، مهدی. (۱۳۸۸). «بررسی روش های افزایش شفافیت اطلاعاتی بازار سرمایه های ایران»، *مجله پیشرفت های حسابداری*، دانشگاه شیراز.
- اقبال نیا، محمد. (۱۳۹۵). «گام بزرگ بورس»، *هفته نامه تجارت فردا*، شماره ۲۱۰.
- باقری، محمود. (۱۳۸۷). «همگرایی و رقابت در بازرسی بورس»، *فصلنامه حقوق*، دوره ۳۸، شماره ۳.
- بیگز زاده میلانی، علی. (۱۳۹۸). «ارائه اطلاعات مالی شرکت ها و نهادهای عمومی به بورس الزامی شد»، *روزنامه دنیای اقتصاد*، شماره خبر: ۳۵۶۸۰۶۴.
- حسینی پور اردکانی، سید مجتبی. (۱۳۸۹). *نظام حقوق حاکم بر مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی*، جلد اول، تهران، جنگل.
- خالقی، ابوالفتح و میرزایی منفرد، غلامعلی. (۱۳۹۷). «تحلیل حقوقی شفافیت اطلاعاتی نهادهای عمومی»، *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، دوره یازدهم، تهران.
- رستمی، ولی و حسینی پور، سید مجتبی. (۱۳۸۸). *نظارت مالی بر مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی*، *فصلنامه حقوقی*، دوره ۳۹، تهران، شماره ۴.
- خالقی، ابوالفتح و میرزایی منفرد، غلامعلی. (۱۳۹۷). *تحلیل حقوقی شفافیت اطلاعاتی نهادهای عمومی*، *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، شماره ۴۱.
- سلطانی، محمد. (۱۳۹۵). *حقوق بازار سرمایه*، تهران: سمت.
- شمس الهی، محسن. (۱۳۹۸). «تحلیل حقوقی و اقتصادی مسئولیت مدنی ناشی از نقض الزامات قانونی مربوط به افشای اطلاعات در بازار اوراق بهادار»، *دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی*، شماره ۱۵.
- صادقی مقدم، محمدحسن و نوروزی، محمد. (۱۳۹۰). «نقد و بررسی نظام افشای اطلاعات در بورس ایران». *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، سال چهارم و یکم، شماره ۲.
- صفاریان، مریم. (۱۳۸۱). «سیاست ها و الزام های افشای اطلاعات در بازار سرمایه ایران»، *مجله بورس*، شماره ۳۴.
- طهماسبی، علی. (۱۳۹۵). «فرمان شفافیت؛ هفته نامه تجارت فردا»، شماره ۲۱۰.
- عالی پور، زهره. (۱۳۹۵). «سازمان بورس آسیب شناسی کند». *هفته نامه تجارت فردا*، شماره ۲۱۰.
- عباس زاده، محمدرضا و همکاران. (۱۳۹۵). *بررسی ارتباط شفافیت مالی و اجتناب مالیاتی با توجه به مالکیت نهادی شرکت ها*، *فصلنامه اقتصاد مالی*، شماره ۳۵، ص ۴۶.
- نصیری اقدم، علی؛ قودجانی، اصلا؛ حسینی، سید محمدرضا. (۱۳۹۲). *مبانی اقتصادی و حقوقی سنجش اعتبار*، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

و کیلیان، حسن و مرکز مالگیری، احمد. (۱۳۹۵). «مقدمه‌ای بر فلسفه قانونگذاری: در تکاپوی ارتقای

کیفیت قانون»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هجدهم، شماره ۵۱.

Vincent Mabillard and Raphael Zumofen. (2016). the complex relationship between transparency and accountability: A synthesis and contribution to existing frameworks. *Public Policy and Administration*.

Pasquier M. (2014). La transparence: de la lumière à l'aveuglement? Huffington Post.

Kolstad I and Wiig A. (2009). Is transparency the key to reducing corruption in resource-rich countries? *World Development*.

Benjamin Fung. (2014). the Demand and Need for Transparency and Disclosure in Corporate Governance.

Madhayan, A., Parter, D, and Weaver, D. (2005). Should Securities Market be transparent, *Jornal of Financial Markets, Forthcoming*.

Patel, S., Blic, A. (2002). Measuring Transparency and Disclosure at Firm.

Choi, Stahl, and Whinstom (2005). Financial Intermediaries and Electronic Commerce.

Clarkson Max. B.E. (1999). A risk Based model of Stakeholder Theory. Centre for Corporate Social Performance & Ethics, University of Toronto.

Freeman E, R, (1999). The Politics of stakeholder Theory: Some Future Directions. *Business Ethics quarterly*.

Hil. C. W and Jones T, M. (1992). Stakeholder. Agency theory. *Jornal of Management*.

Hsiu J.F. (2006). Effect of Financial Information Transparency on Behavior in Taiwan Stock Market.

Jakson H.E. (2003). Towhat Extent Shoml individual Investors Rely on Mechanism of Market Efficiency, *Journal of Gorpoation Law*, 28 (4).

Vishwanalh T. And Kaufman D (2001). Toward Transparency: New Approaches and Their Application of Financial. *Theord Bank Research Observer*, 16 (1).

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC 4.0 license.